

## رویکرد سازه انگارانه به فرهنگ استراتژیک روسیه و ایران در جغرافیای سیاسی اوراسیا و تاثیر آن بر منافع ملی ایران

علیرضا رستم آقایی

دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عبدالعلی قوام<sup>۱</sup>

استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

احمد نقیب زاده

استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران

کیهان برزگر

دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

### چکیده

مفهوم فرهنگ استراتژیک از نظر رفتارهای سیاست خارجی امروز کشورها دارای اهمیت اساسی است. این مفهوم که توسط جک اسنایدر ابداع شده است، در هسته اصلی درک ماهیت روابط بین دولتی قرار دارد و بنابراین به عنوان اصلی ترین رفتارهای سیاست خارجی کشورهای مدرن ملت عمل می کند. مفهوم فرهنگ استراتژیک از یک طرف ریشه های سازه انگاری دارد در حالی که در طرف دیگر ضربه ای به تئوری انتخاب منطقی نیز وارد می کند. این مقاله اساساً با استفاده از رویکرد سازه گرایانه برای درک عناصر سازنده فرهنگ استراتژیک روسیه و ایران، پتانسیل آن در برقراری روابط راهبردی با ایران است. این مقاله نشان می دهد که ریشه فرهنگ های استراتژیک روسیه نسبت به اوراسیا اساساً بر اساس تجربیات متفاوت تاریخی مفهوم ایدئولوژی و اعتقادات رهبری آنها نسبت به منطقه است. بعلاوه فرهنگهای استراتژیک هر دو کشور همچنین با مفاهیم ما در مقابل دیگران که هسته اصلی الگوی سازه انگاری را تشکیل می دهند، هدایت می شوند. در این مقاله استدلال می شود که با توجه به ویژگی فرهنگ استراتژیک روسیه که مبتنی بر قدرت سخت است، از پتانسیل اندکی برای برقراری روابط راهبردی میان دو کشور وجود دارد و دو کشور در بسیاری از حوزه ها مانند آسیای مرکزی قفقاز دریای کاسپین و حوزه انرژی با هم رقابت دارند. در این پژوهش منابع الکترونیک و نوشتاری استفاده شده است و اطلاعات به روش کتابخانه ای گردآوری شده است.

**کلمات کلیدی:** اوراسیا، ایران، روابط راهبردی، روسیه، سازه انگاری، فرهنگ استراتژیک، منافع ملی.

## مقدمه

در تئوری سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این فرایند است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. سازه‌انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد و روابط میان دولت‌ها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. در سازه‌انگاری از آن‌جا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود و روابط دولت‌ها با هم بر اساس معنایی است که آن‌ها برای یکدیگر قائلند. هویت یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت‌های بین‌الملل کارگزاران بر اثر جامعه‌پذیری درون جامعه بین‌الملل حاصل می‌شود. نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد نیز مهم می‌باشد در زمینه تأکید بر هنجارها با نظریات لیبرال اشتراک دارند اما تفاوت محسوسی که با لیبرال‌ها دارند اینست که لیبرال‌ها بر جنبه تنظیمی هنجارها تأکید دارند در حالی که سازه‌انگاران علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی آنها نیز توجه می‌کنند و بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرایندهای مانند تعاملات بوجود می‌آیند. از میان اندیشمندان این تئوری کراتاکویل، انف و کاتزنستاین بیشتر بر اهمیت فرهنگ‌ها و هنجارها تأکید کرده‌اند (هادیان، ۱۳۸۲: ۱۵). محققانی مانند جان میرشایمر کنت ن. والتس و استیون والت تاکنون بر تلاش برای درک رفتار تنها قدرت اصلی متمرکز بوده‌اند. با این حال تصورات آنها از مفاهیم علاقه و قدرت معمولاً عوامل علیت عقیدتی و فرهنگی را که برای درک فرهنگ استراتژیک و رویکردهای کشورهای به ویژه روسیه بسیار اهمیت دارند، نادیده می‌گیرند. طرز تفکر روسها در ارتباط با هر اتحاد و رویکرد عدم دخالت در امور کشورهای دیگر بازتاب روشنی است که واقع‌گرایان نمی‌توانند این پدیده را از طریق ترجیحات نظری خود توضیح دهند.

از دهه ۱۹۹۰ که موضوع معنا و فرهنگ در ادبیات علم سیاست و روابط بین‌الملل به طرز فزاینده‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت، در مورد مفهوم فرهنگ راهبردی نیز کارهای بیشتری به عمل آمد. اهمیت فزاینده فرهنگ در تحلیل مسایل سیاسی باعث شد موضوع فرهنگ راهبردی نیز بیشتر مورد توجه قرار گیرد. از جمله، الستر جانسون در کتابی تحت عنوان رئالیسم فرهنگی: فرهنگ راهبردی و استراتژی بزرگ در تاریخ چین، فرهنگ راهبردی را به صورت محیط معنایی که گزینه‌های رفتاری را محدود و در عین حال پیش‌بینی پذیر می‌کند، تعریف کرد. وی استدلال کرد که چین فرهنگی را به نمایش گذاشته که در چارچوب آن به استفاده کنترل شده، تدافعی و حداقلی از نیروی نظامی تمایل وجود دارد. جانسون معتقد است این گرایش عمیقاً با اندیشه‌های استراتژیست‌های چینی دوره باستان ارتباط دارد. (Johnston, 1995: 26) روابط ایران روسیه به دلیل موقعیت ویژه که هر یک از دو کشور در عرصه سیاست بین‌الملل دارند از سوی محافل داخلی و بین‌المللی مورد توجه بوده. عوامل تأثیرگذار بر روابط دو کشور بسیار زیادند از جمله ژئوپولیتیک ژئواکونومیک انرژی و انتقال توانایی‌های نظامی تأثیرات منطقه‌ای حوزه نفوذ طرفین در آسیای مرکزی و قفقاز همچنین عامل نیروی سوم همواره از عوامل تأثیرگذار در روابط دو کشور بوده

است. از طرفی پس از فروپاشی شوروی و پیگیری سیاست های یکجانبه از سوی ایالات متحده هر دو کشور مخالف یکجانبه گرایی هستند و باعث نزدیک شدن دو کشور بهم گردیده تا جایکه همکاری علیه ایالات متحده باعث این شده گروه هایی چه در داخل روسیه و بویژه در ایران از این همکاری های و ارتباطات به همکاری استراتژیک تعبیر کنند که یکی از این آخرین تحولات آن، اقدام بی سابقه در تاریخ جمهوری اسلامی است، یعنی اجازه به هواپیماهای روسیه در استفاده از پایگاه هوایی همدان باتوجه به عوامل بالا از نظر نویسنده روابط دو کشور توانایی رسیدن به سطح بالایی را ندارد در این پژوهش با بررسی و مقایسه فرهنگ راهبردی ایران و روسیه استدلال میشود روسیه بعلت داشتن فرهنگ استراتژیک تهاجمی که متغییری تعیین کننده است و میتواند نقش توانایی های مادی را در توسل به اجبار و زور از جانب این کشور را به خوبی تبیین کند در حوزه های مشترک با ایران یعنی آسیای مرکزی قفقاز مسایل ژئوپولیتیکی و ژئو اکونومیکی، از پتانسیل اندکی برای تبدیل شدن به متحد راهبردی برای ایران است .

از این رو، پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی بر ساس مطالعه کتابخانه ای و مرور رسانه های جمعی در پی چرایی مطالعه فرهنگ استراتژیک ایران و روسیه از طریق رویکرد سازنده گرایانه به جای چارچوب نظری سستی واقع گرایانه و نئورالیسم می باشد.

### ادبیات نظری پژوهش

#### سازه انگاری:

سازه انگاری به عنوان یک فرانظریه بر آن است که با رفع نقاط ضعف نظریه های گوناگون تصویر واقعی تر و علمی تری از الگوهای رفتار و سیاست بین الملل ارائه دهد. آنچه در باب این نظریه مهم جلوه می کند آن است که این رویکرد صرفا بر شرایط و نیروهای مادی بسنده نمی کند، بلکه بر اهمیت انگاره ها، قواعد و هنجارها نیز صحنه می گذارد . (قوام، ۱۳۸۶: ۲۲۲) به بیانی دیگر سازه انگاری همزمان بر ابعاد مادی و غیرمادی حیات اجتماعی تاکید دارد که نشان می دهد چگونگی شکل دادن جهان مادی به کنش انسانی و شکل گرفتن جهان مادی توسط کنش و تعاملات انسانی وابسته به تفاسیر پویای هنجاری و معرفت شناختی جهان مادی است (مشیر زاده ۱۳۸۹: ۳۲۵). سازه انگاری از طریق رهیافت سیاست هویت تلاش می کند چگونگی نقش و تأثیر اجتماعات بین الاذهانی مانند ناسیونالیسم، قومیت، مذهب، فرهنگ، جنسیت و نژاد در سیاست بین الملل و سیاست خارجی را توضیح دهد(دهقانی فیروز ابادی، ۱۳۹۱: ۴۳) اولین گزاره اصلی دیدگاه سازنده گرایانه فرهنگ استراتژیک این است که برخلاف تحلیل های مادی گرایانه از ایده های امنیتی بین المللی در قالب هنجارهایی مانند آنچه فرهنگ استراتژیک را تشکیل می دهند منافع را ایجاد و تعریف می کنند. ایده های فرهنگ استراتژیک بیان شده در هنجارها نقش اصلی را در نتایج امنیت ملی برای سازه گرایان عاملی است که به نظر آنها در تحلیل های مبتنی بر علاقه مانند تحلیلگران نئورالیست نادیده گرفته می شود. (Lauterbach, 2011)

#### فرهنگ استراتژیک:

اساساً در سال ۱۹۷۷ بود که جک اسنایدر به طور رسمی نظریه فرهنگ استراتژیک را مطرح کرد تا اهمیت مفهوم فرهنگ سیاسی را در دامنه مطالعات امنیتی معاصر تأکید کند. در اصل او تلاش کرد تا نشان دهد که در نتیجه روند جامعه پذیری، مجموعه خاصی از سیستم اعتقادی و الگوی رفتاری بوجود می‌آید که پایه سیاست را به جای سیاست صرف در نظر می‌گیرد. (Snyder, 1997) با تکیه بر این جنبه، پیشتر گری<sup>۱</sup> اصطلاح فرهنگ استراتژیک را درک می‌کند تا به معنای روند تفکر و همچنین اقدام در رابطه با استفاده از زور است که از برداشت خاص در مورد تجارب تاریخی ملی الهام می‌گیرد. و با توجه به آنچه که نگرش مسئولانه در سطح ملی را تشکیل می‌دهد. (Gray, 1981) تعریف کری لانگورست<sup>۲</sup> از فرهنگ استراتژیک به ویژه برای سازنده گرایان بسیار مفید است: مجموعه ای متمایز از عقاید و رویه های اعتقادی در مورد استفاده از زور که توسط یک گروه [معمولاً یک ملت] نگهداری می‌شود و به تدریج و با گذشت زمان و از طریق یک روند طولانی تاریخی منحصر به فرد بوجود می‌آید. (Longhurst, 2004) نگرش استفان روزن<sup>۳</sup> نیز بسیار شبیه اسنایدر است. از نظر وی، فرهنگ استراتژیک حاصل « باورها و ایستارهای مشترکی است که به گزینه افراد یک جامعه نسبت به رفتار نظامی بین المللی بویژه به تصمیمات مربوط به جنگ با الویت های تدافعی، توسعه طلبی و تهاجمی کشورها شکل می‌دهد.». اما الاستیر جانستون<sup>۴</sup>، رویکرد کاملاً نوینی به مفهوم فرهنگ استراتژیک دارد. بر خلاف بافت عینیت‌گرایی رئالیسم، جانستون، فرهنگ استراتژیک را محیط ایده‌انگاران ای که تعیین‌کننده گزینه های رفتاری است، توصیف می‌کند. این محیط، برگرفته از پیش فرض ها و قوانینی است که به قلمرو ادراکی افراد و گروه ها از روابطشان با سپهرهای اجتماعی، سازمانی یا سیاسی شکل می‌دهد (قوام، ۱۳۸۷)

#### منابع فرهنگ استراتژیک:

تا آنجا که به منابع فرهنگ استراتژیک مربوط می‌شود، می‌توان آنها را به طور کلی به سه گروه تقسیم کرد: فیزیکی (جغرافیای جغرافیایی منابع طبیعی فناوری تغییر نسل) سیاسی (تجربه تاریخی سیستم سیاسی اعتقادات نخبگان و سازمانهای نظامی) و اجتماعی یا فرهنگی (اسطوره ها و نمادهایی که متون را تعریف می‌کنند) (Lantis 2009). از جمله اسمیت<sup>۵</sup> دست به چنین اقدامی زده و طی یک مطالعه مقایسه ای ده مؤلفه را به عنوان عناصر سازنده فرهنگ راهبردی معرفی نموده است. این عناصر شامل بنیادهای تکنولوژیک، رسوم سیاسی، منابع اقتصادی، تجربه و تاریخ، دین و مذهب، باورها و ارزشها، مفاهیم دفاعی، منابع و آب و هوا، روایات و سرنوشت و در نهایت امر جغرافیا هستند (Smith, 2008)

#### منطقه شناسی پژوهش

— روسیه

<sup>1</sup> Gray

<sup>2</sup> Longhurst

<sup>3</sup> Stephen Rosen

<sup>5</sup> Smith

<sup>۴</sup> Alastair Johnston

روسیه با وسعت ۱۷.۰۷۵.۴۰۰ کیلومتر مربع، پهناورترین کشور جهان است. پهناوری روسیه کمتر از دو برابر مساحت کانادا یا چین یا ایالات متحده آمریکا و بیشتر از یک دوم مساحت قاره آفریقا است. این کشور در عرضهای بالای جغرافیایی واقع شده است و بیشتر مناطق کشور سردسیر و کم بارش است. به همین دلیل بیشتر مناطق این کشور (به ویژه سرزمین بزرگ سیبری) خالی از سکنه هستند و کشاورزی در این مناطق میسر نیست. پایتخت روسیه شهر مسکو است که در باختر و بخش اروپایی کشور است و بزرگترین شهر اروپا است. روسیه با حدود ۱۴۵ میلیون نفر (در سال ۲۰۲۰) جمعیت نهمین کشور پرجمعیت دنیاست. تراکم جمعیت روسیه ۸۰۴ نفر در هر کیلومتر مربع است که از پایتترین نرخهای تراکم جمعیت در جهان است. همچنین نرخ رشد جمعیت در این کشور منفی است. بیشتر جمعیت روسیه در غرب این کشور (بخش اروپایی) زندگی می کنند. بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۹ حدود ۸۱ درصد از مردم این کشور از قومیت روس هستند. در مجموع ۱۶۰ گروه قومی در این کشور زندگی می کنند. تاتارها ۳.۹ درصد جمعیت روسیه را تشکیل می دهند و بزرگترین اقلیت قومی این کشور محسوب می شوند. اقوام اوکراینی، چوواش، باشقیر، چچنی، و ارمنی نیز هر یک بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند و آوارهای قفقازی، بلاروسی ها، آسی ها، آذربایجانی ها و قزاق ها از دیگر اقوام پرجمعیت روسیه هستند (<https://www.mgairan.com>)

زبان رسمی روسیه زبان روسی است ولی ۲۷ زبان رسمی دیگر نیز در جمهوری ها و مناطق این کشور وجود دارد، روسیه کشوری فدرال با تقسیمات کشوری پیچیده است و شامل ۸۳ واحد فدرال از جمله ۲۱ جمهوری مستقل می شود، روسیه فرهنگ پربراری دارد و نویسندگان معروفی مانند تولستوی و داستایوفسکی روسی بوده اند، ادیان در روسیه متنوع اند و قانون مصوب ۱۹۹۷ میلادی مسیحیت، اسلام، بوداگرایی و یهودیت را در تاریخ روسیه حائز اهمیت می داند. دین مسیحیت بزرگترین دین و دین سنتی روسیه است، که بخشی از میراث تاریخی روسیه است، کلیسای ارتدوکس روسی دین غالب در روسیه است و بیش از ۹۵٪ کلیسا های ارتدکس ثبت شده به کلیسای ارتدوکس روسی وابسته اند و تعداد کمتری کلیسا های ارتدکس دیگر هم وجود دارند ولی به هر صورت اکثریت قاطع مؤمنین ارتدکس هستند و هر روزه به کلیسا نمی روند.

#### -ایران

جغرافیا کشور ایران با وسعتی بیش از ۱.۶۴۸.۱۹۵ کیلومتر مربع (شانزدهمین کشور جهان از نظر مساحت) در جنوب غربی قاره آسیا واقع شده و جزو کشورهای خاورمیانه است.

ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در نیمه جنوبی منطقه معتدل شمالی بین ۰۳°، ۲۵° و ۴۷°، ۳۹° عرض شمالی از خط استوا و ۱۴°، ۴۴° و ۲۰°، ۶۳° طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. حدود ۹۰ درصد از خاک کشور در محدوده فلات ایران واقع شده است. سرزمین ایران بطور کلی کوهستانی و نیمه خشک بوده و میانگین ارتفاع آن بیش از ۱۲۰۰ متر از سطح دریاست. بیش از نیمی از مساحت کشور را کوهها و ارتفاعات، یک چهارم آن را دشت ها و کمتر از یک چهارم دیگر آن را نیز زمین های در دست کشت تشکیل می دهد. پست ترین نقطه داخلی با ارتفاع ۵۶ متر در چاله لوت و بلند ترین آن قله دماوند با ارتفاع ۵۶۲۸ متر در میان رشته کوه البرز قرار دارد، در

کناره جنوبی دریای خزر ارتفاع زمین ۲۸ متر پایین تر از سطح دریای آزاد می باشد. ایران از شمال به جمهوری ترکمنستان، دریای خزر، جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، از مغرب به ترکیه و عراق، از مشرق به پاکستان و افغانستان و از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس محدود است و در مجموع محیط پیرامون ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است که ۲۷۰۰ کیلومتر آن مرز آبی و ۶۰۳۱ کیلومتر آن مرز زمینی است

ایران از لحاظ اقلیمی با داشتن اقلیم خاص چهارفصل یکی از بی نظیرترین کشورهای جهان به شمار می آید. تنوع اقلیمی زیادی در ایران وجود دارد به طوری که از ۱۴ گونه اقلیم موجود در جهان، ایران از ۱۱ گونه آن برخوردار می باشد. این تنوع اقلیمی موجب شکل‌گیری انواع مختلف از چشم‌اندازهای طبیعی شده است که شبیه آن را به ندرت در کشورهای دیگر می توان یافت. طبیعت و اقلیم متنوع ایران شامل پوشش گیاهی و اکوسیستم جانوری گوناگون و فراوانی است که هم از لحاظ تعداد و هم تنوع در مقایسه با سایر نقاط جهان شگفت‌انگیز می باشد. تنوع پوشش گیاهی ایران بیش از دو برابر قاره اروپا و تقریباً برابر با شبه قاره هند می باشد ([www.investiniran.ir](http://www.investiniran.ir)).

نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی ایران و روسیه



Source: Dennis, 2014

یافته های پژوهش

فرهنگ استراتژیک روسیه:

فرهنگ استراتژیک روسیه همیشه مبتنی بر ایده قدرت سخت است که با یک رویکرد خاص به میهن پرستی و تجلیل از تاریخ و همچنین ایده آل سازی و اسطوره سازی رسالت جامعه روسیه در جهان در گسترش ارزش های کلیسای ارتدکس مرتبط است. سیاست خارجی روسیه معاصر باید با توجه به میراث محافظه کارانه و همچنین

دیدگاه های فلسفی و سیاسی نیکولای بردیایف<sup>۱</sup>، ولادیمیر سولوویوف<sup>۲</sup> و ایوان ایلین<sup>۳</sup> درک شود. (Ivić 2016) نظامی گری قوی نتیجه شرایطی است که در آن روسیه پدید آمده و گسترش یافته است - ضرورت مداوم جنگ ها - ابتدا دفاعی و در دوره های بعدی تهاجمی (گسترده) (Ermarth 2009) و به تعبیری هنوز هم ادامه دارد. بنابراین الگوی جنگ بزرگ [...] و ادامه استقبال از یک رویکرد متقارن متعارف و قابل پیش بینی (Cassidy 2003). جاه طلبی های امپراتوری روسیه ممکن است ماهیت قرن نوزدهم داشته باشد اما تبلیغات یکی از مهمترین ابزارهای قدرت نرم است که در واقع توسط روسیه توسط یک دستکش مخملی دوباره به عنوان یک قدرت سخت تعریف می شود (Van Herpen 2015). فرهنگ استراتژیک سنتی روسیه - فرهنگ امپریالیستی روسیه از زمان ظهور به عنوان یک کشور در اواسط هزاره گذشته از طریق بیشتر موجودیت اتحاد جماهیر شوروی تا اواخر دهه ۱۹۸۰ - یکی از نظامی ترین فرهنگ های اینچنینی در تاریخ بوده است (Ermarth 2009). از دیگر مشخصات این فرهنگ وحشت از تهاجم بیگانه است. این مساله بر اهداف روسیه برای نوسازی نیروهای نظامی این کشور تاثیر گذاشته است و از سوی دیگر اقتصاد و سیستم سیاسی روسیه در جهت تقویت دولت می باشد (Eitelhuber, 2009: 4). ژئوپلیتیک یکی دیگر از منبع تاثیر گذار است. موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک روسیه در کنار ترکیب متنوع قومی، نژادی و مذهبی، موجب شده است تا نگرش امنیتی، نقش تعیین کننده ای در سیاست خارجی روسیه داشته باشد و در تعامل این کشور با نظام بین الملل نقش به سزایی ایفا کند زیرا روسیه نمی تواند نگرانی های امنیتی خود به ویژه در مرزهای جنوبی و حلقه های امنیتی اش را نادیده بگیرد (سیمبر و شیراوند، ۱۳۹۴: ۱۸۵) یکی دیگر از سرچشمه های مهم مذهب است. تاریخ روسیه و همچنین سنت های مربوط به کلیسای ارتدکس نقش مهمی در شکل گیری فرهنگ استراتژیک دارند. اول از همه برای مدت طولانی فرهنگ استراتژیک روسیه بر اساس وضعیت قدرت بزرگ ساخته شده بود (Cassidy 2003) مذهب آزادی بخش، مذهب استقلال دهنده، مذهبی که حیات ملی را به ارمغان آورد، مذهبی که باعث شد موجودیت و تداوم روسیه حفظ شود در کانون سیاست و حیات اجتماعی قرار گرفت. (کرمی، ۱۳۹۷) فرهنگ سیاسی از دیگر عوامل مهم تاثیر گزار و شکل دهنده فرهنگ راهبردی روسیه است. فرهنگ سیاسی و استراتژیک روسیه نیز بر اساس پروژه russskij mir (جهان روسیه) ساخته شده است که آرمان ابرقدرت را تقویت می کند. فرهنگ استراتژیک روسیه با یک منافع ملی و الگوی واقع گرایانه مشخص مربوط به سلطه رقابت و حوزه های نفوذ مشخص شده است. امپریالیسم روسیه بسیار خاص است زیرا به شدت تحت سلطه ایدئولوژی ناسیونالیستی است که تحمیل انزوا طلبی و محافظت از نفوذ خارجی با هدف دفاع از جهان روسیه با تاریخچه هویت زبانی خاص خود است. اقتدارگرایی ناشی از شخصیت استبدادی دولت عمدتاً به ظهور فرهنگ استراتژیک کمک کرد. نسخه روسی اقتدارگرایی بر اساس مبانی نظامی (ارزشها) قوانین نظامی ساخته شده است، بر اساس اصل kto-kovo (به معنای واقعی کلمه "چه کسی" یعنی چه کسی از نظر قدرت بر چه کسی تسلط دارد) سلسله مراتب ویژگی مشخص دیگر

<sup>1</sup> Nikolai Berdyaev

<sup>2</sup> Vladimir Solovyov

<sup>3</sup> Ivan Ilyin

فرهنگ سیاسی، تمایل به دستکاری برای دسیسه‌ها و توطئه‌ها است، لزوماً مذاکرات درباره رای گیری یا راه حل های مبتنی بر رویه های قانونی نیست. (Ermarth 2009)

### ساختار تصمیم گیری در عرصه سیاست خارجی فدراسیون روسیه

فرهنگ سیاست خارجی روسیه، به عنوان شکل دهنده فرهنگ استراتژیک، بازتابی از فرهنگ سیاسی حاکم بر آن کشور بوده است. منظور از فرهنگ سیاست خارجی آن است که در فرهنگ روسی، جهان اساساً چگونه نگریسته و ادراک می‌شود. در این فرهنگ، همواره این نگرش پایدار نسبت به دولت‌ها یا کنش‌گران خارجی وجود داشته که آنها یا دشمن هستند یا پیرو یا متحدان موقت در واقع رویکردی کاملاً رئالیستی. همچنین در دو فرهنگ سیاسی و سیاست خارجی روسیه، نوعی عنصر رهایی بخشی وجود داشته است. (قوام، ۱۳۹۳: ۵۰۹-۵۱۲) استفان بلان با نگرش در اوایل دوره یلتسین، به نکات مهم در درک فرهنگ استراتژیک روسیه اشاره کرد. اول از همه، او بر توصیف بی‌امان سیاسی و مبارزات نظامی - که او آن را مبارزه طبقاتی نامید - یعنی زیربنای یک فرهنگ استراتژیک جدید که بر تضاد مداوم و تهدیدهای جهان خارج تأکید می‌کرد، این فرهنگ حتی پس از مرگ استالین، دولت اتحاد جماهیر شوروی را توصیف کرده بود اگرچه اصلاحات در دهه های پایانی حکومت اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد، بلان قدرت پایدار این تغییرات را زیر سوال برد و در حقیقت، وی موضوع مهم بدافزارها را در فرهنگ استراتژیک روسیه مطرح کرد، به این معنی که بخش‌هایی از نخبگان تصمیم‌گیری روسیه تعهد خود را نسبت به اشکال قبلی فرهنگ استراتژیک حفظ می‌کنند. (Tesygankov, 2019)، همچنین اسکاک<sup>۱</sup> استدلال کرده است که نخبگان نظامی و سایر اعضای دستگاه‌های امنیتی، که در حال حاضر بر سیاست‌گذاری امنیتی روسیه مسلط هستند، نگرش‌ها و ارزش‌های فرایندی را که در شوروی رواج داشت را دنبال می‌کنند. در استدلال اسکاک، سرویس‌های مخفی روسیه و "آژانس‌های قدرت" مرتبط با آن، در واقع بازیگران مستقلی در فدراسیون روسیه هستند او اعتقاد دارد از پریماکف تا پوتین همه تربیت شده مکتب چکیستی سازمان امنیت سابق روسیه هستند (skak2016). در یک مفهوم کلی روسیه تحت تأثیر فرهنگ استراتژیک خود خواستار آن است که جایگاه حقیقی خود را - رسیدن به جایگاه قدرت بزرگ - به دست آورد. از این رو است که روس‌ها برای مفصل بندی گفتمان سیاست خارجی خود انگاره و اندیشه قدرت بزرگ را نقطه کانونی قرار داده است. بر این اساس فرهنگ استراتژیک تدافعی با داشتن عناصری همانند گفتمان ملی‌گرایی روس و هویت اسلاو - ارتدوکس، اقتدارگرایی و تصمیم‌گیری متمرکز و تصور تهدید و نگاه توسعه طلبانه نسبت به حوزه ژئوپلیتیک اتحاد جماهیر شوروی و قائل شدن سه حلقه امنیتی برای خود (فدراسیون روسیه، جمهوری‌های خودمختار، کشورهای مستقل مشترک المنافع)، هر کدام به عنوان فضاهای گفتمانی عمل نموده اند تا گفتمان سیاست خارجی فدراسیون روسیه در دوران پوتین به یک گفتمان عمل‌گرایانه مبدل گردد که نقطه مرکزی آن، آنچنان که گفته شد اندیشه قدرت بزرگی و تبدیل شدن به یک هژمون منطقه ای است. جستجوی روسیه در جهت شناسایی هویت خود نیز به دور از موفقیت نیست به ترکیبی از مقاومت

<sup>1</sup> skak



نامتقارن با هدف بستگی دارد؛ حمایت از منافع حیاتی کشور در جهان، تلاشهای فعالانه برای ایجاد یک نظم جهانی جدید، و اصلاحات داخلی لازم برای آن (Tesyankov, 2019).

### فرهنگ استراتژیک ایران:

موضوع اصلی فرهنگ راهبردی، توضیح عوامل فرهنگی مؤثر در انتخاب راهبردها و بررسی چگونگی استفاده از زور و جهت گیری های امنیتی و سیاست خارجی است. در واقع، فرهنگ راهبردی درصدد تبیین این موضوع است که چرا کشورهایی با ساختارهای مادی مشابه، راهبردهای متفاوتی را انتخاب می کنند (مشیرزاده، کافی، ۱۳۹۷) فرهنگ راهبردی، برابندی از عوامل گوناگون از جمله پیشینه تاریخی است. ج.ا. ایران نیز با توجه به سابقه تمدنی خود دارای مجموعه ای از تجربه های تاریخی دیرینه است که آنها نقش تعیین کننده ای در شکل گیری فرهنگی راهبردی ایرانیان داشته اند. از این رو برخی معتقدند فرهنگ راهبردی ایران متأثر از ۳۰۰۰ سال تمدن فارسی است که گاهی با احساس برتری فرهنگی آمیخته می شود این ویژگی تاریخی، نشان از ریشه دار بودن هویت ایرانی دارد که با نوعی اعتماد به نفس و غرور ملی، آمیخته شده است. دیگروت و دیگران<sup>۱</sup> (2008) «اسلام»، «تاریخ ایران» و «غرور ملی» را از جمله مؤلفه های فرهنگ راهبردی ایران می داند (عسگری، ۱۳۹۷) جمهوری اسلامی ایرا دارای یک فرهنگ استراتژیک است که تلاقی تاریخ و ایدئولوژی، دین و مدرنیته است. سه دسته اصلی تأثیرات وجود دارد که تصمیم گیری در ایران را تحت تأثیر قرار می دهد. اولاً، تجارب تاریخی و معاصر سهم عمده ای در شکل گیری، حمایت و ترویج ایده های امنیت ملی دارند. این تجارب همزمان با دومین تأثیر اصلی، عوامل مادی و ساختاری مانند جغرافیا، منابع، اقتصاد و ساختارهای سیاسی است که از نظر امنیت ملی فرصت ها و محدودیت هایی را برای ایران فراهم می کند. دسته آخر عوامل مفهومی است که شامل: ایدئولوژی، ملی گرایی، دین، ادراک تهدید و تصویر از خود است در کل، فرهنگ استراتژیک کنونی و سیاست های امنیتی ایران می تواند بین ناسیونالیسم ایدئولوژیک و عمل گرایی ژئوپلیتیک در حال نوسان باشد. (Findlater, 2020) ترابی و رضایی مهم ترین عوامل شکل دهنده و اثرگذار بر فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران را شامل مواردی مانند اسلام شیعی، عوامل اقتصادی، حافظه تاریخی، موقعیت جغرافیایی، تجربه جنگ تحمیلی و درک واقعیت های بین المللی می دانند، ضمن اینکه بد بینی به بیگانه، پایداری و قاومت، بی اعتمادی راهبردی، ابهام راهبردی، عمل گرایی، خوداتکایی و بازدارندگی، مهم ترین محورها و شاخص های فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران هستند. (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰) تاریخ معاصر ایران حوادث متعددی را به ایرانیان نشان داده که در پی آنها غرور ملی ایرانیان را خدشه دار ساخته است. موارد یاد شده تاریخ معاصر را در نظرگاه ایرانیان تاریخی توأم با شکست، تحقیر و شرمساری ساخته است. به همین دلیل است که ایرانیان معتقدند بیگانگان همیشه در فکر توطئه علیه آنها هستند و نسبت به بیگانگان دید منفی دارند. فولر، یکی از ایران شناسان شناخته شده، گفته است که: در بین ایرانیان نوعی سوءظن نسبت به دنیای خارج با تصمیم جدی برای کسب استقلال و عدم آمیزش با قدرت های خارجی همراه شده است (فولر، ۱۳۷۳: ۲۲) در مورد ذهنیت تاریخی

<sup>11</sup> DeGroot and others

ایرانی نسبت به روسها که موضوع این نوشتار نیز می باشد باید گفت که به دلیل غلبه خاطرات منفی (بر مثبت) ایرانیان نسبت به روسها و اقداماتشان در ایران همواره نوعی بدبینی، بی اعتمادی و ترس و نفرت در میان ایرانیان وجود دارد. در واقع باید گفت که «در چشم ایرانیان روسیه کشوری است که همواره در طول تاریخ چشم طمع به خاک ایران داشته و در هر فرصتی که به دست آورده به سرزمینهای ایران تجاوز کرده است. (زرگر، ۱۳۸۳) فرهنگ و ایدئولوژی سیاسی عامل نقشی کلیدی در قوام یابی فرهنگ راهبردی ایرانیان داشته است. چنان که قبلا اشاره شد، ایرانیان از گذشته به هویت ایرانی خویش افتخار کرده و این احساس در شکل گیری روحیات ملی گرایانه آنها - که با نفی دخالت بیگانگان همراه بوده - نقش اساسی داشته است. انقلاب اسلامی ایران منجر به تحولی محسوس در فرهنگ راهبردی دینی ایرانیان شد. (قنبرلو، ۱۳۹۱) مشیرزاده (۱۳۹۷) به نکات شاخصی از فرهنگ راهبردی اشاره می کند از جمله تنهایی راهبردی که این مفهوم ریشه های جغرافیایی، ژئوپلیتیک و مذهبی دارد، پس از انقلاب، بستر سیاسی و ایدئولوژیک نیز به این مجموعه افزوده شده است تا باور به تنها بودن ایران در منطقه و جهان، به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های فرهنگ راهبردی کشور نمایان شود. احساس ناامنی یکی دیگر از شاخص های فرهنگ راهبردی ایران است، اهمیت مفهوم قدرت و استقلال کشور در نقشه بالا که تحت تأثیر منفی توطئه های بیگانگان و وابستگی به خارج قرار دارد، نشان دهنده وجود احساس خطر مداوم از خارج از مرزهای کشور است. ژئوپلیتیک بحرانی منطقه، در کنار منابع سرشار ایران و سوابق تاریخی، موجب شیوع ترس دائمی از مورد حمله قرار گرفتن شده و احساس ناامنی را به یکی از مؤلفه های فرهنگ راهبردی ایران تبدیل کرده است. رسالت باوری، فراتر از صرف دفاع و حفظ استقلال کشور، به نظر می رسد که فرهنگ راهبردی ایران مبتنی بر وجود رسالتی ملی و اسلامی برای کشور است. به این ترتیب، احساس وجود برنامه ای برای آینده که وظیفه اجرای آن به عهده ایران است، جزو ویژگی های فرهنگ راهبردی ایران است. (مشیرزاده، کافی، ۱۳۹۷)

### روسیکی میر در مقابل ایران

سازمان کاهش تهدیدات دفاعی در آمریکا تعریف دیگری از فرهنگ راهبردی ارائه کرد. از دیدگاه این سازمان فرهنگ راهبردی شامل " فرضیات، باورهای مشترک و مدل رفتار مطلوب است که برگرفته از تجربیات و روایت های مشترک است و به هویت جمعی و روابط با سایر گروه ها و کشورها شکل می دهد. این هویت جمعی بهترین ابزار و اشکال تحقق اهداف امنیتی در مقابل سایرین را نیز مشخص می کند (ولی زاده، فیروزیان، شجاع، ۱۳۹۴). به وضع مشخص است که تعریفی که این سازمان ارائه کرده به رویکرد سازه انگاری سیستمیک نزدیک است. چراکه فرهنگ راهبردی را در چارچوب هویت به عنوان عنصر تمیز دهنده خودی از دیگری و به همان نسبت شناسایی دوست از دشمن می نگرد. مضاف بر آن، پیشر الکساندر ونت گفته بود که هویتها، که خود یکی از منابع اصلی شکل دهی فرهنگ راهبردی هستند، (Wendt, 1999: 21). فرهنگ استراتژیک یک تلاش برای ادغام و همگرا نمودن ملاحظات و ادراکات فرهنگی، حافظه تاریخی جمعی و تاثیرات آنها بر تحلیل سیاست های امنیتی دولتها و روابط بین الملل است فرهنگ استراتژیک به وسیله بخش های سازنده و تکوینی در زمان بحران ها شکل می گیرد و تحت

تأثیر تجارب گذشته می باشد. (پیشگامی فرد شیراوند، ۱۳۹۷) روسیه شاهد ظهور اصول فرهنگی هویتی است که به ارزشهای بومی تعریف شده فرهنگی و اشکال خاص "معنویت" متوسل می شوند که نمی توانند به ارزشهای غربی یا لیبرال تقلیل یابد. هویت های امنیتی به عنوان هویت های "بسته" درک می شوند که برای حفظ ثبات خود متکی به (نفی) هستند. (Kazharski 2019) بدین شکل کشور مفروض ابزاری مفهومی در اختیار دارد تا نسبت به راهبردهای خودی و دشمن به شناخت برسد و در نتیجه راهکارهایی را برای رسیدن به اهداف راهبردی در نظر بگیرد. عناصر فرهنگی نهادی محیط های دولت (فرهنگ و هنجارها) منافع ملی دولت و هویت ان را شکل می دهد. بنابراین تفاوت در هویت دولت یا تغییر در هویت دولت منافع و هویت امنیتی ملی یا سیاست دولت را تحت تاثیر قرار می دهد. ترکیب بندی هویت دولت ساختارهای هنجاری بین دولتی مانند رژیم ها یا جوامع امنیتی را تحت تاثیر قرار می دهد. ساختارهای محیطی فرهنگ نهادی-هویت-منافع-فرهنگ راهبردی-ادراک سیاست گذاران (مشیرزاده، کافی، ۱۳۹۷)

فرهنگ استراتژیک ایران و روسیه از مولفه و عناصر متعددی تشکیل و سرچشمه می گیرد مهم ترین هدف فرهنگ استراتژیک روسیه احیاء بازگشت به گذشته با شکوه خود یعنی ابرقدرت جهانی است امری که با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین، روسیه با تمام در آن اهتمام ورزیده است. و در این راه روسیه مهمترین دگر خود را غرب می داند. به تعبیر کاژارینسکی (۲۰۱۹) روسیه هویتی بسته امنیتی که مبتنی نفی دیگر هویت ها است، سیاست خارجی این روسیه برگرفته از فرهنگ راهبردی این کشور در مناطق پیرامونی بسیار تهاجمی و امنیتی و با کوچکترین نفوذ با عث واکنش شدید مسکو می شود، نمود آن را می توان از گذشته یعنی زمان شوروی سابق در مداخله نظامی در مجارستان چکسلواکی تا زمان معاصر در اوکراین و گرجستان و بحران اخیر قفقاز جنوبی میان باکو و ایروان مشاهده کرد. غلبه رئالیسم با محوریت قدرت نظامی از دیگر مشخصه ای این فرهنگ است ریشه در تاریخ پر فراز و نشیب این کشور دارد از هجوم مغول ها، لهستانیها و ناپلئون و هیتلر و خاطرات دوران جنگ سرد روسها به صورت عملی اصول رئالیسم را آموخته و خویاری را با تمام وجود درک کرده اند. رسالت باوری با رنگ بوی مسیحیت ارتدوکس که حاکی از استثنا گرایی دینی نیز هست از دیگر ویژگی های این فرهنگ است در واقع حاکمان کرملین خود را ناجی اروپا و همینطور دنیا می دانند بطوری در مقابل تهاجم مغول و ناپلئون و هیتلر ایستادگی کردند و پایه گذار نظم نوین جهانی شدند. نظمی که از ۱۹۴۵ به بعد در دنیا حاکم است پس آنها نمی خواهند این نظم را از میان بردارند تنها می خواهد به جایگاه قبلی خود برگردند. در مقابل فرهنگ راهبردی ایران بسیار تدافعی است که از ویژگی های آن بدینی به بیگانگان ناشی از تهاجم بیگانگان از تهاجم اعراب و ترکان سلجوقی، مغول ها و دسیسه های دخالتهای قدرت های بزرگ در سیاست داخلی کشور در ۲۰۰ سال گذشته است که اتفاقاً یک از سرچشمه های بدینی ایرانیان، کشور روسیه است که در طول ۵۵۰ سال روابط دو جانبه در خاطر ایرانیان همراه با خاطران بسیار تلخ می باشد. رفتار روسیه نسبت به ایرانیان همواره خصمانه، تحقیر آمیز، و برتری جویانه توأم با دخالت و تاثیر گذاری در بسیاری از تحولات دوران ساز ۲۰۰ سال اخیر بوده، از جدا سازی بخش اعظم خاک ایران تا سرکوب مشروطه خواهان از

تلاش در تجزیه ایران در زمان استالین تا کمک به رژیم بعثی عراق و تجهیز این کشور و تداوم آن را نیز می‌توان در بدقولی در تکمیل نیرو گاه هسته ای و عدم تحویل به قوع تسلیحات خریداری شده دید. ناامنی هستی شناختی از دیگر ویژگی های این فرهنگ راهبردی است که دوران گذشته ناشی از محاصر دشمنان قسم خورده منطقه ای بود و پس از انقلاب ۱۹۷۹، که دارای جنبه های ایدئولوژیک و مذهبی بود و جنبه بین المللی نیز به خود گرفت، در واقع تاکید بر صدور انقلاب، حمایت از مستضعفان، انتقاد از رژیم اپارتاید اسرائیل، تجدید نظر طلبی در مورد نظم مستقر، این امر را تشدید کرده است. از طرفی روسیه بالعکس ایران به نظم موجود معتقد است. سنت گرایی فرهنگ استراتژیک روسیه در این مورد بررسی شده است، که چشم انداز استراتژیک روسیه یادآور الگوی واقع گرایانه آمریکایی از فرهنگ امنیتی است که در آن قرار دارد که در آن ذهنیت ابرقدرت، منافع ملی، حاکمیت و زورنقش عمده ای دارد. روسیه به اصل وستفالن سنتی، حق حاکمیت و مطلق بودن پایبند است. از نظر مسکو، هرگونه تلاشی برای تجدید نظر در این نظم خطرناک است (Tesyankov2017)

#### ایران و روسیه در اوراسیا

تقریباً تمامی تحلیلگران فرهنگ استراتژیک بر این نکته تاکید دارند که فهم فرهنگ استراتژیک یک کشور منوط به تعمیق در تاریخ ایستارها و رفتارهای آن کشور است. فرهنگ استراتژیک روسیه در دوران های تزاریسم کمونیسم وپسا کمونیسم بسیار شبیه به هم بوده. ترکیبی از نظامی گری برتری طلبی یکجانبه گرایی و..... که پیش تر به آن اشاره شد. در واقع روسها به خوبی نشان داده اند که برای حل و فصل بحران ها حاضر هستند از جیب دیگران هزینه کنند اما آماده نیستند کیک های شیرینی را با شرکای خود تقسیم کنند در واقع روسیه همواره از یکجانبه گرای امریکا انتقاد کرده اما در سطح منطقه ای پیرو یکجانبه گرایی است. این کشور به محیط پیرامون خود از جمله آسیای مرکزی قفقاز به چشم خارج نزدیک خود می نگرد و با ابزارهای متعدد و دغدغه های گوناگون حضور پر قدرت دارد از جمله نفوذ سیاسی اقتصادی حضور اقلیت میلیونی و حضور ۱۳۰ساله به این لیست باید نفوذ فرهنگی که پس از پاکسازی فرهنگ ایرانی رخ داده افزود. روسیه ثابت کرده هیچ گونه شریکی در منطقه قبول نمیکند و به شدت در مقابل تهدید های امنیتی واکنش نشان میدهد شاهد این مدعا بحران های اوکراین گرجستان مولداوی است (کولایی، ۲۰۲۴:۱۳۹۲). بدبینی و استفاده از اهرم نظامی که از مصادیق فرهنگ اتراتژیک روسیه است در دوران های مختلف استفاده شده مانند هجوم شوروی به مجارستان و چکسلواکی جهت سرکوب نیروهای غرب گرا و چه در زمان روسیه در حمله این کشور به گرجستان و اوکراین پس از زمزمه های پیوستن این دوکشور به ناتو. روسیه پس از تشکیل جامعه کشورهای مستقل همسو هم زمان توسعه روابط دوجانبه پیرامون را نیز دنبال کرد و با مداخله نظامی نیروهای روسیه مفهوم جدیدی در روابط روسیه و کشورهای به جا مانده شکل گرفت، پیوندی جدید تحت عنوان آیین مونروئه روسی که در بردارنده حق مداخله انحصاری روسیه در جمهوری های تازه استقلال یافته، براساس منافع ویژه آن است. برای سازه انگاران سازه های تمدنی عوامل فرهنگی هویت دولتی و غیره همواره با اینکه چگونه به منافع دولتها شکل می دهند مهم است. اینها نوعی جهان بینی ایجاد میکنند و بر الگوهای تعامل بین

المللی اثر میگذارند. نهاد های بین المللی رژیم های بین المللی همچون رژیم های تسلیحاتی حقوق بشر هنجارهای بین المللی و... کنشگران را بسمت باز تعریف منافع و حتی هویت شان سوق میدهند. اگر هویت ها اجتماعی و حاصل تعامل باشند میتوانند به صورتهای متفاوتی شکل بگیرند. مشکل هویت به بیان ونت (۱۳۸۶) این است که آیا و تحت چه شرایطی هویتها جمعی تر یا خود محورتر می شوند. یعنی هرچه احساس یگانگی دولتها نسبت بهم بیشتر باشد بیشتر بسمت رویه های امنیت جمعی اشتیاق نشان میدهند و در نتیجه همکاری میان آنها تقویت میشود و بلعکس هرچه از هم احساس دوری بیشتر داشته باشند روابطشان مبتنی بر خود محوری بیشتری خواهد بود. هویت ملی روسیه تا حدود زیادی بر اساس جغرافیای آن است که به عنوان بخشی از تاریخ به معنای ایدئولوژیک درک می شود. تمام عناصر جغرافیایی روسیه که به دفاع از کشور کمک کردند اکنون ستایش شده و بخشی از تداوم اسطوره ای روح ملی اولیه را تشکیل می دهند. این امر منجر به روند مقدس سازی قلمرو کشور از نظر مذهبی (مقدس بودن خاک ارتدکس) و از نظر دنیوی (میراث اجداد و سنت های ملی) شد. بنابراین دفاع از سرزمین برای فرهنگ استراتژیک بسیار مهم است و جایگاه اصلی دارد. همه جنبه های دیگر ماهیت تبعی دارند. مرکزیت سرزمینی در فرهنگ سیاسی و استراتژیک روسیه نشانگر تلاش برای بازیابی قدرت ژئوپلیتیک (برای بازسازی غرور و عزت ملی) است. با توجه به درگیری های نظامی روسیه در چین، گرجستان و اوکراین نباید تعجب آور باشد - این بخشی از یک طرح بزرگتر است - به دست آوردن آنچه که متعلق به روسیه متعلق به روسیه تلقی می شود و فقدان آن تهدیدی برای علت روسیه امنیت کشور از نظر داشتن مناطق نفوذ در نزدیکترین محله که برای احیای قدرت کشور ضروری است نیز درک می شود. امنیت روسیه شرطی شده با ژئوپلیتیک نگرانی هایی را در میان کشورهای همسایه ایجاد می کند که رفتار روسیه را ماهیتی نئو امپراتوری و تهاجمی می دانند. جغرافیا و در نتیجه مسائل فرهنگی و سنتی نقش مهمی در ایجاد هویت روس بازی می کند، بنابراین فرهنگ استراتژیک آن نیز نقش دارد. بنابراین روسیه معاصر به دلیل تعلق به قسمت شرقی تمدن مسیحی اروپا و موقعیت سرزمینی اوراسیا دارای هویتی تمدن و ژئوپلیتیک دوگانه اما تفکیک ناپذیر است (Antczak 2018). مسکو در نگاه خود به منطقه اوراسیا نوعی نگرش توسعه طلبانه دارد و در این حوزه دارای رویکردی امنیت محور می باشد. موقعیت ژئوپلیتیک روسیه و ذهنیت تاریخی روس ها باعث شده است که در بازنمایی هویت ژئوپلیتیک خود، حوزه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی را از نظر تاریخی متعلق به خود می داند. نکته بارز در تفکر روسی این است که در ذهن روسی مفهوم قلمرو همیشه تا مرزهای خارج نزدیک ادامه داشته است و الزاما منطبق بر مرزهای سرزمینی آن نبوده است (زهرائی، شیراوند، ۱۳۹۶). همچنین هویت روسی که از نزدیک با اوراسیایسم گره خورده است یک روند بوده است و نه یک دکتترین. این روند را می توان حداقل در سه مرحله خودسرانه تقسیم کرد: روسیه ژئوپلیتیک کلاسیک دهه ۹۰، مخالف و مطیع "برندگان جنگ سرد" و "پایان تاریخ" ادعا شده است. یک روسیه در انکار، که گذشته کمونیستی خود را به نفع خاطرات امپریالیستی خود برای غلبه بر تعصب ضد شوروی سایر جهان، که می خواست "دیدن اوراسیا به عنوان مترادف فضای مشترک پس از اتحاد جماهیر شوروی باشد، تسکین می یابد (Morozova)

(2014). سنت های باستانی ، یعنی امپریالیستی / سلطنت طلب و اتحاد جماهیر شوروی ، که هر دو پیوند بین عظمت ملی و اقتدارگرایی را ایجاد می کنند ، به عنوان یک مرجع مهم هستی شناختی پایدار و حفظ احساس ناسیونالیستی استثنائی در بین بخش های محافظه کار جامعه روسیه ظاهر شدند. در این زمینه ، قوانین حافظه روسی را می توان اقدامات اضطراری دانست که سیاست عادی را به حالت تعلیق درآورد و نشانه ای از تضمین هویت است که به نوبه خود "خطر گیر شدن در نقش های قدیمی و ضد تولید در سیاست های بین المللی" را به وجود می آورد (Malksoo 2015)، در سراسر "اوراسیای بزرگ" و از طریق بسترهای غیرمستقیم ، مانند مثال سخنرانی پوتین در اجلاس BRICS و جلسه شورای روسای کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای (SCO) و اتحادیه اوراسیا در سال ۲۰۱۵. بطور خاص ، پوتین اظهار داشت: "فضای اوراسیا برای روسیه یک تخته شطرنج برای بازی های ژئوپلیتیکی نیست ، بلکه خانه ای است که در آن باید سعادت و صلح حاکم باشد [...]". در حالی که این روایت به طور مستقیم با اتهامات "غربی" روسیه به تنهایی تضاد ندارد (akchorina&delalasalala2019). باید اذعان داشت که روس ها مهم ترین اقدام برای زنده ماندن در محیط و فضای بین المللی را الحاق زمین های مجاور خود می دانند و البته این عمل را بیشتر ترجیح می دهند که به صورت پیشگیرانه انجام دهند. آنچه مسلم است این که روسیه حمله ناپلئون و هیتلر از طریق دروازه و ورودی غربی خود را فراموش ننموده و براین اساس همواره قائل به وجود یک سرزمین حائل میان خود و آنگلا ساکسون ها می باشند (Kaddorah, 2014: 5). تلفیق ایدئولوژی شعار اصلی سلطه جماهیر شوروی بر اروپای شرقی قفقاز و آسیای میانه به منظور حفظ وحدت سرزمین های فتح شده در طول دوران شاهنشاهی بود. روسیه به نوبه خود سعی کرده است این امپراتوری را پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بازگرداند و جایگاه قدرت بزرگ را که به عنوان یک موقعیت مناسب تصور می شود ، بازیابی کند. "ذهنیت میراثی جاسازی شده در روان روسیه" که تصور می کند هر آنچه که از دوره های گذشته به ارث رسیده است "دارایی مسلم" است ، با پذیرش جدایی جمهوری های سابق به عنوان یک واقعیت عملی مخالفت می کند (Cassidy 2003) پس از فروپاشی شوروی علایق امنیتی روسیه در آسیای مرکزی شدت گرفت جنگ داخلی تاجیکستان سبب تشدید این مساله شد روسیه برای حفظ یکپارچگی آنها با کشورهای مستقل هم سود اهمیت بسیار قایل بوده است و مقابله برای نفوذ بیگانگان در این منطقه این موضوع را ضروری تلقی کرده بر اساس همین علایق تشکیل جامعه کشورهای مستقل هم سود پیمان شانگهای مورد توجه قرار گرفت تا با موضوع مواد مخدر تروریسم برخورد لازم صورت گیرد. پس از تشکیل جامعه مشترک هم سود پیمان امنیت دسته جمعی در ۱۹۹۲ به امضا رسید. روسیه در ۲۰۰۱ همراه با بلاروس قزاقستان تاجیکستان اتحادیه اقتصادی اوراسیا را بوجود آورد تا مبادلات و روابط اقتصادی این کشور بهبود یابد. لیست کامل سازمانهای منطقه ای با ابتکار روسیه در منطقه به این شرح می باشد:

- جامعه مشترک مستقل المنافع: سیاسی، پیمان امنیت دسته جمعی: امنیتی نظامی، شانگهای: امنیتی نظامی، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی: اقتصادی، سازمان همکاری آسیای مرکزی: اقتصادی، اتحادیه آسیای مرکزی: سیاسی اقتصادی (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۴: ۸۲)

با نگاهی به این مناسبات منطقه‌ای همانطور که الکساندر ونت در کتاب نظریه‌های اجتماعی سیاست بین‌الملل اشاره می‌کند هرچه احساس یگانگی دولتها نسبت بهم بیشتر باشد بیشتر بسمت رویه‌های امنیت جمعی اشتیاق نشان می‌دهند و در نتیجه همکاری میان آنها تقویت می‌شود و بالعکس هرچه از هم احساس دوری بیشتر داشته باشند روابطشان مبتنی بر خودمحوری بیشتری خواهد بود شاهد خودمحوری روسیه و وارد نکردن ایران در مناسبات منطقه‌ای هستیم بطوریکه ایران پس از سالها هنوز عضو ناظر پیمان شانگهای است. ماهیت منطقه‌گرایی روسیه در حوزه سی‌ای اس، که خودمداری و برتری طلبی طلبی شاخص اصلی آن است؛ برای مثال، در حالی که ایران بر تأمین امنیت و ثبات در مناطق مشترک بر اساس الگوی امنیت متقابل و جمعی تأکید دارد، روسیه امنیت‌سازی با محور «خود» را ترجیح می‌دهد. در این خصوص، می‌توان به فشارهای پنهان و پیدای آن بر کشورهای منطقه، حضور نظامی در برخی از این کشورها (تاجیکستان و ارمنستان) و تقویت قابل ملاحظه ناوگان نظامی خود در خزر اشاره کرد که با الگوی ثبات‌سازی منطقه‌ای ایران همخوان نیست. مواجهه زورمدارانه و جنگ مسکو با گرجستان (۲۰۰۸)، جدا کردن دو جمهوری آبخازیا و اوستیای شمالی از این کشور، و نیز تقابل با اوکراین (۲۰۱۶) و الحاق کریمه به خاک خود که ناشی از روحیه خودبرتر پندار روس‌ها در سی‌تی اس» و فرض محق بودن به تأمین منافع فرضی خود در این جغرافیا حتی با توسل به زور است نیز با اصول اولیه سیاست خارجی ایران (احترام به حاکمیت کشورها و عدم مداخله) انطباق نمی‌یابد در همین راستا، روسیه که «سی‌آی اس» را همچنان حوزه نفوذ خود می‌داند، مایل به نفوذگذاری هیچ قدرتی از جمله ایران نبوده و نیست. حال آنکه تهران در هدف‌گذاری بلندمدت خود برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، تقویت نفوذ در این حوزه از جمله در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی را نیز در دستور دارد. همچنین مسکو با حضور «جریان ساز» هیچ‌کشوری در روندها و نهادهای منطقه‌ای این حوزه از جمله در سازمان شانگهای (که ایران خواهان عضویت در آن است موافق نیست؛ زیرا نقش برتر آن به چالش کشیده خواهد شد. رویکرد محتاطانه آن به چین و نگاه ابزاری اش به سایر اعضای این سازمان مؤیدی بر این مدعا است؛ لذا در صورتی که الحاق ایران (که حائز برداشت‌های متفاوتی از مفاهیم امنیتی و روندهای منطقه‌ای است) به روندها و سازمان‌های منطقه‌ای، نظم روسیه محور آنها را با مشکل مواجه کند، بی‌تردید مسکو مخالف چنین عضویتی خواهد بود. البته در این مخالفت عوامل دیگری چون نگرانی از سرایت اختلافات تهران با غرب به این سازمان نیز دخالت دارد که در جای خود قابل تأمل است. (عسگریان، ۱۳۹۴: ۴۹)

#### -اتحاد استراتژیک ایران و روسیه

مهم‌ترین ویژگی‌های شکل‌دهنده و کارکردی یک اتحاد را به این ترتیب بیان کرد: وجود تهدید مشترک، ادراک مشترک از آن، اراده لازم برای مقابله و سازوکارهای قراردادی و تفاهمی برای همکاری، ارتباطات سازمانی، اطلاعاتی و عملیاتی برای اقدام مشترک و هماهنگی دیپلماتیک برای اعلام و هشدار نظامی. همکاری راهبردی دو کشور را باید از طریق تفکیک مفاهیم اتحاد راهبردی با مشارکت راهبردی و تعریف امر راهبردی تشخیص داد. امر راهبردی مفهومی است که به مسائل حیاتی و امنیتی و بلندمدت و در یک محیط رقابتی اطلاق می‌شود. اتحاد

راهبردی، عالی‌ترین سطح همکاری دو یا چند دولت در برابر تهدید مشترک برای زمانی طولانی و در چارچوب توافقات و مکانیسم‌های دقیق است، اما مشارکت راهبردی می‌تواند همکاری در مقابل تهدید مشترک در یک موضوع و مقطع خاص باشد. نظر به اینکه این سطح از همکاری ویژگی بلندمدت ندارد اطلاق واژه راهبردی برای آن دقیق نیست، مگر آنکه این مشارکت در موارد مشابه تکرار شود. (کرمی، ۱۳۹۷)، لازم است پیش‌شرط‌هایی برای به وجود آمدن اتحاد استراتژیک بین دو دولت وجود داشته باشد:

الف) درک عمیق نسبت به ضرورت، شدت و اولویت این روابط بین دو طرف. این شرط با سفرهای مکرر مقامات دو طرف، اظهار نظرهای مشترک در خصوص مسائل مختلف، حجم بالای روابط اقتصادی، دسترسی به بازارهای یکدیگر و سرمایه‌گذاری اقتصادی قابل‌شناسایی است.

ب) وجود رابطه نهادینه شده بین دو دولت و دو ملت به نحوی که همکاری در بخش‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی به سهولت انجام پذیرد و تداوم داشته باشد.

ج) وجود حس همدلی و هم‌دردی ملی میان متحدین که نشان از اعتماد و وفاداری آنها به یکدیگر دارد (دولت آبادی، ۱۳۹۸) به باور بسیاری از کارشناسان روابط ایران و روسیه، دو دسته عوامل داخلی و خارجی را موانع اصلی گسترش همکاری‌های دو کشور می‌دانند. نبود هم‌پوشانی اقتصادی و اقتصادهای وابسته ایران و روسیه به واقتصادی ایران و روسیه، با هدف ایجاد یک شبکه مستحکم ارتباطی در بلندمدت داشته باشد. به عبارت دیگر ایران تلاش می‌کند از روابط همه‌جانبه با روسیه سود بیشتر ببرد و هزینه کمتر بپردازد. (کولایی، عابدی، ۱۳۹۷: ۲۹۷)

در رویکرد روسیه به ائتلاف‌سازی خارجی، ابتدا باید به عنصر مهم رفتار ساز در گفتمان حاکم بر سیاست خارجی این کشور توجه کرد: اولین و مهم‌ترین عنصر رئالیسم و تسلط آن بر اندیشه و عمل رهبران کرملین است. آنها به ویژه در موضوعات سخت، ژئوپلیتیکی و امنیتی چون توازن قوا، مواردی چون: تعهد به اصول اولیه این رهیافت یعنی خودیاری، اعتقاد به ساختار انارشیکی نظام بین‌الملل و عدم امکان تعامل گسترده در این عرصه را به خوبی نشان داده‌اند. بر این اساس، از یک سو، روسیه را در رقابت و تقابل دائم با سایر قدرت‌ها به ویژه آمریکا برای بسط و ممانعت از قبض‌مزیت‌های خود در محیط خارجی می‌بینند و از سوی دیگر، مهم‌ترین تکیه‌گاه را در این کارزار، داشته‌های خود می‌دانند و به شرکای خارجی بی‌اعتمادند. از این دید، هرچند مسکو از تأثیر محدود شریک خارجی بهره می‌گیرد، نگاه راهبردی به یابوری «دیگران» ندارد. پوتین با تأکید بر اینکه «روسیه امروز دوره جدیدی را آغاز کرده به گذشته باز نمی‌گردد و وارد هیچ اتحاد مقدسی نخواهد شد»، این رویکرد رئالیستی را مورد تأکید قرار داد. او همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا روسیه در بحران اوکراین «متحدی» دارد، به جمله معروف الکساندر سوم اشاره کرد که «روسیه دو متحد دارد: ارتش و نیروی دریایی». عدم اعتقاد به ائتلاف خارجی بلندمدت، تأکید بر اثرمندی بیشتر «ابزار» به جای «شریک» و گاه عدم تفکیک میان این دو مفهوم نه تنها در کلام سیاسیون روس، بلکه در منابع علمی این کشور از جمله در تکرار این کلیه معروف رئالیستی که در عرصه بین‌المللی دوست و دشمن وجود ندارد، بلکه فقط منافع وجود دارد نیز به چشم می‌خورد (عسگریان، ۱۳۹۴: ۳۵) در جایی دیگر ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه ضمن تأکید بر اهمیت زیاد ایران برای روسیه، می‌گوید: روسیه با همه



کشورها و با آمریکا برای ایجاد یک جهان امن همکاری می کند، اما این به معنای همکاری علیه کشور دیگری نیست، «ما نمی خواهیم در هیچ اتحاد و ائتلاف مقدسی وارد شویم.» زمینه دیگر رقابت با همکاری روسیه و ایران در آسیای مرکزی مسئله انتقال انرژی این منطقه است. همکاری ایران و روسیه ظاهر قضیه تعاملات سیاسی این دو کشور بوده ولی در واقع روسیه به ایران به عنوان یک رقیب بالقوه نگرسته و از ورود و حضور ایران در فعالیت های مرتبط با صدور و ترانزیت انرژی در منطقه جلوگیری می کند. (اصولی، ۱۳۹۲: ۸-۳) «ریچارد هرمان» نیز روابط و سیاست خارجی دو کشور را براساس ادراکات (perception)، «تصوراته (imagas)» و «ایستارها» (attitude) مورد بررسی قرار داده است. وی بر این اعتقاد است که مؤلفه های یاد شده در بر گیرنده نشانه های هنجاری در سیاست خارجی کشورها است. اگر این گونه ادراکات و نگرش ها با یکدیگر در تعارض باشند، طبیعی است که رفتارهای سیاسی و الگوهای کنش آنان با یکدیگر سازنده نخواهد بود. از سوی دیگر، اگر نشانه هایی از همکاری و مشارکت نیز ایجاد شود، این گونه رفتارها ماهیت تاکتیکی، تغییر پذیر و دگرگون شونده خواهد داشت. به این ترتیب، می توان نشانه هایی را ملاحظه نمود که الگوی رفتاری روسیه و این حوزه های مختلف اقتصادی، صنعتی و استراتژیک منعکس می سازد، ایران تلاش دارد - همکاری های خود را به عرصه هایی ارتقا دهد که از مزیت نسبی روسیه در حوزه های دفاعی - امنیتی بهره مند شود، در حالی که روسیه، هر گونه همکاری استراتژیک را در قالب الگوی مرحله ای و برگشت پذیر سازماندهی کرده است. این امر منجر به عدم کارآمدی کمیسیون همکاری های مشترک دفاعی استراتژیک ایران و روسیه شده است. هر یک از نشانه های یاد شده بیانگر آن است که جلوه هایی از همکاری کم شدت بدبینی امنیتی در روابط ایران و روسیه تداوم یافته است. طبیعی است که در کوتاه مدت، این روند با تغییرات مشهودی روبرو نخواهد شد. (متقی، پوستین چی، ۱۳۹۰: ۳۳۲-۳۲۶) باید با دید واقع بینانه و کنکاش و شناخت درست منافع روسیه و ایجاد تعامل میان فضای گفتمان و فضای زیست به تعامل با این کشور مبادرت ورزیم. دستیابی به اتحاد استراتژیک با روسیه امکان پذیر نیست. لازمه دستیابی به اتحاد استراتژیک داشتن منافع مشترک و تعریف واحد از منافع ملی در طولانی مدت میان بازیگران است و ما با اتکا به منافع نسبی مشترک با روسیه نمی توانیم زمینه ساز تحقق اتحاد استراتژیک باشیم زیرا امکان تصادم منافع نسبی و ایجاد تعارض بین بازیگران در سیاست بین الملل زیاد است. مدیریت روابط ایران و روسیه فراتر از رابطه دوجانبه تهران و مسکو رفته و یک موضوع بین المللی است و باید با دقت در ساختار سیستم بین المللی اداره شود. ایران با سکوت نسبی خود، مانع از ناخرسند شدن شریک امنیتی خود می شود. بحران چچن و جلوگیری صدور قطعنامه علیه روسیه در دورانی که ریاست کنفرانس اسلامی را برعهده داشت، همینطور سکوت ایران در بحران کوزوو از مصادیق آن می باشد. عرصه بین المللی می توان دریافت که نگاه مسکو به روابط با تهران شکل فرصت طلبانه و عملگرایانه دارد. روس ها نشان داده اند که برای رسیدن به منافع کلان خود، منافع خرد و جزئی در ایران را نادیده می گیرند. روسیه چندان نیاز مبرم و ضروری به ایران ندارد؛ چراکه ایران برای روسیه در بعد امنیتی در رتبه نهم منطقه ای قرار دارد و بیشتر برای کسب امتیاز از غرب و حفظ توازن قدرت به ایران نگاه می کند. برای روسیه کسب بازار اقتصادی فروش

تسلیمات به ایران، همراهی ایران در سیاست های نفتی و گازی، مهار متحدین آمریکا در منطقه و تضمین امنیت مرزهای جنوبی این کشور با دوری ایران از آمریکا برای تداوم دادن به این رابطه کفایت می کند. یکی از نکات کلیدی در روابط دو کشور عدم اولویت روابط با ایران در سیاست خارجی روسیه است، با وجود این که دو طرف همواره نسبت به توسعه همکاری ها ابراز علاقه نموده اند؛ اما این رابطه بیشتر از سوی ایران دنبال شده است و طرف روس همواره از آن به عنوان برگ برنده برای امتیاز گیری از طرف آمریکایی بهره گرفته است، لذا باید گفت روسیه در تنظیم روابط خود با ایران و آمریکا همواره اولویت را به آمریکا داده است و هر کجا احساس نموده که منافع بیش تری از جانب روابط با آمریکا برای این کشور حاصل خواهد شد همکاری های خود را قطع نموده است. در سال های اخیر در گستره روابط تهران و مسکو، چهار رویداد مهم اما چالش انگیز روی داده که محدودیت های روابط راهبردی دو کشور را برجسته ساخته است: نخست، سیاست روسیه در خصوص پرونده هسته ای؛ دوم، تأخیر مکرر در راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر؛ سوم، تأخیر در تحویل سامانه های پیشرفته موشکی اس ۳۰۰ و سایر وسایل نظامی پیشرفته به ایران و در نهایت، اشکال تراشی روسیه در عضویت ایران در سازمان همکاری های شانگهای (امیدی، ۱۳۹۰: ۴۴). اما جمهوری اسلامی ایران نیز در گسترش همکاری ها محدودیت های مهمی دارد. هویت ایرانی، نقش منطقه ای و جهانی مورد انتظار، استقلال عمل خارجی، محدودیت های قانونی، افکار عمومی و ضرورت تعادل بخشی به پیوندها و مناسبات بین المللی، تهران را به سوی نوعی تعادل و موازنه در ارتباط با مسکو و یا هر کشور دیگری سوق می دهد. (کرمی، ۱۳۹۷)

#### نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

امر راهبردی مفهومی است که به مسائل حیاتی و امنیتی و بلندمدت و در محیط رقابتی اطلاق می شود. اتحاد راهبردی عالی ترین سطح همکاری دو یا چند دولت در برابر تهدید مشترک برای زمانی طولانی و در چارچوب توافقات و مکانیسم های دقیق است، اما مشارکت راهبردی می تواند همکاری در مقابل تهدید مشترک در یک موضوع و مقطع خاص باشد. نظر به اینکه این سطح از همکاری ویژگی بلندمدت ندارد، اطلاق واژه راهبردی برای آن دقیق نیست، مگر آنکه این مشارکت در موارد مشابه تکرار شود. آیا می توان همکاری های ایران و روسیه را مشارکت راهبردی دانست؟ طبعاً این همکاری ها را به هیچ وجه نمی توان اتحادی راهبردی تلقی کرد (کرمی، ۱۳۹۸)، ایران با سابقه ۳۰۰۰ ساله تمدنی، شرایط ژئوپولیتیکی و زمینه پشتوانه غنی فرهنگی ایرانی اسلامی از پتانسیل بسیار زیادی برای تاثیر گذاری بر آسیای مرکزی و قفقاز دارد. روسیه ایران هر دو منتقدان یکجانبه گرایی آمریکا هستند که پس از فروپاشی شوروی ایجاد شد. در واقع این نکته جدی ترین عامل همکاری های ایران روسیه است ولی نباید توجه کرد دیدگاه دو کشور علی رغم تشابه بسیار تفاوت جدی دارد در واقع روسیه خود را وارث نظم یالتایی بعد از جنگ جهانی دوم می داند ولی جمهوری اسلامی نگاهی شالوده شکنانه به این نظم دارد بنابراین روسیه نمی خواهد سطح تنازعات و انتقادات از حد خاصی فراتر رود از طرفی سیاست چند برداری روسیه طوری طراحی تنظیم شده، همانطور که روابط روسیه ایران برای حاکمان کرملین مهم است، روابط مسکو با ریاض و اسرائیل نیز اهمیت دارد.

شاید اگر از روابط راهبردی بخواهیم نام ببریم روابط مسکو تل اوپو در منطقه به این تعریف نزدیکتر باشد. نزدیکی فرهنگی، روابط همه جانبه اقتصادی و سیاسی از جمله فاکتورهایی است که این دو کشور از آن بهره‌مندند. جمهوری اسلامی ایران با ایجاد تنگنای ایدئولوژیک در سیاست خارجی خود نتوانسته از پتانسیل‌های ملی و اسلامی خود به درستی استفاده کند و در یکی حالت جبری مجبور به همکاری‌های تاکتیکی با رقیب منطقه‌ای خود شده که این عامل باعث خارج شدن ابتکار عمل از دست ایران و دنباله‌روی، چشم‌پوشی از بسیاری موارد در آسیای مرکزی و قفقاز شده؛ مانند جریان انتقال انرژی، تقسیم دریای کاسپین و نفوذ فرهنگی و اقتصادی. در حالیکه کشوری مانند ترکیه به علت نداشتن این موانع توانسته سیاست خود را با اعتماد نفس بالا به روسیه دیکته کند و ایران را از مناسبات منطقه‌ای کنار بگذارد.

ایجاد یک اتحاد استراتژیک، عمیق و بلند مدت میان دو ملت، در درجه اول نیازمند وجود اعتماد قوی به یکدیگر است که این امر نیز در صورتی ممکن است که ادراکات و ذهنیت طرفین به یکدیگر کاملاً مثبت بوده و نوعی سنخیت فرهنگی وجود داشته باشد، موضوعی که در تعاملات ایرانی - روسی مشاهده نمی‌شود. اگرچه تحت برخی مقدمات و فشارهای سیستمی و محیطی ممکن است بین دو یا چند کشور برخی همکاری‌ها گسترش یابد و در سطح پیشرفته نوعی اتحاد ایجاد گردد ولی چنین اتحادی همواره شکننده و سست خواهد بود زیرا زیربنای فکری و فرهنگی تعارضی همواره می‌تواند نیروهای شکاف و واگرایی را فعال نماید و موجب جلوه نمودن هویت اصلی و حقیقی کنشها گردد. در مورد ایران و روسیه نیز می‌توان گفت که اگرچه در دوره پس از شورای همکاری‌ها در برخی حوزه‌ها رشد پیدا کرده است ولی همواره و در تمام مراحل تعاملات، عنصر ذهنیت و ادراکات ایرانی مانع از اعتماد کامل ایران به روسیه می‌گردد. (حاج یوسفی، ۱۳۹۶). تعبیر جان ر. هاینس که در بررسی سیاست روسیه در برابر ایران، آن را "بدبینانه و تردید آلود" خوانده، تصویر روشنی از واقعیت را نشان می‌دهد، که در جامعه ایران نیز جریان دارد (Parker, 2016, 1). ولی با تمامی تفاسیر باید گفت هرچند در حال حاضر نمیتوان گفت که ایران و روسیه از روابط استراتژیک برخوردارند ولی پتانسیل زیادی برای گسترش روابط دارند. توصیف ما از شرایط حال حاضر این است که ایران بنا بر ملاحظات ایدئولوژیک برای خود تنگنای سیاست خارجی ایجاد کرده و دولت روسیه نیز با توجه به ویژگی‌های ذاتی که دارد و برشمرده شد، از شرایط حال حاضر نهایت بهره‌برداری می‌کند. ولی باید گفت در فردا این محدودیت‌ها اتفاقاً برخلاف بسیاری از کارشناسان بدبین ایران روسیه می‌توانند روابط خود را متناسب با نیازی امروزی و فراتر از لنزهای جنگ سردی پیش ببرند. همانطور که سجاد پور می‌گوید در روابط ایران و روسیه می‌توان الگوهایی نسبتاً ثابتی را پیدا کرد؛ هرگاه دولت ایران قدرتمند بوده است، با هر ماهیتی و حکومتی، روسها روابط خوبی با آن داشته‌اند و هرگاه دولت ایران ضعیف بوده، روس‌ها تردیدی در بهره‌برداری از وضعیت داخلی ایران به خود راه نداده‌اند. هرگاه دولت روس ضعیف بوده، بیشتر متمایل به همکاری با ایران بوده، زمانی که منافع روسیه اقتضاء می‌کرده است، آنها در ساخت و پاخت با غرب به زیان ایران تردیدی به خود راه نداده‌اند. (سجاد پور، ۱۳۷۹) روسیه نشان داده چه در دوران اوج جنگ سرد که دو کشور برای یکدیگر تهدید امنیتی متقابل

تلقی می‌شدند، چه اکنون، زیر تاثیر دیدگاه عمل‌گرایانه و سود محور خود، مسایل اقتصادی در اولویت این کشور است. به طوری که در دهه ۷۰ میلادی ایران تامین‌کننده بسیاری از نیازهای اقتصادی شوروی که در آن زمان جزو جهان دوم تلقی میشد بوده است. در دوران ما نیز این قابلیت پتانسیل عملیاتی شدن دارد کما اینکه کشور های مانند ترکیه علی‌رغم اصطکاک بسیار با روسیه توانسته اند این نقش را ایفا کنند.

## منابع

- امیدی، علی (۱۳۹۰). «چالش های ساختاری روابط راهبردی ایران و روسیه: سلطه ستیزی ایرانی و عمل‌گرایی روسی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۴، شماره ۸ صص ۶۴
- باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۸)، "دلایل عدم شکل‌گیری اتحاد میان ایران و روسیه" مطالعات تاریخی جنگ؛ فصلنامه علمی پژوهشی دوره سوم، شماره اول (پیاپی ۷)، بهار ۱۳۹۸، صص ۳۳-۶۶
- پیشگاهی فرد زهرا، صارم شیرواند (۱۳۹۷) تاثیر مولفه های فرهنگ استراتژیک بر کدهای ژئوپلیتیک اوکراین، "فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱۰۲، صص ۵۷-۳۵
- ترابی، قاسم؛ رضایی، علیرضا (۱۳۹۰)، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینهای ایجابی، شاخصه های اساسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۴
- جمالزاده، محمدعلی، (۱۳۷۲)، تاریخ روابط روس و ایران، تهران: بنیاد افشار یزدی
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، عباس ذوالفقاری، (۱۳۹۶) "فرهنگ استراتژیک و مشارکت روسیه در روندهای تسلیحاتی غرب آسیا" فصلنامه افاق امنیت، شماره ۳۶ صص ۱۵۱-
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱) نظریه ها و فرایندها در روابط بین الملل، تهران: نشر مخاطب
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴) نظریه ها و فرایندها در روابط بین الملل، تهران: نشر مخاطب
- زرگر، افشین (۱۳۸۴)، "تعارض هویتی در سیاست خارجی روسیه"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵. زهرانی، مصطفی و شیرواند، صارم (۱۳۹۶)، "بررسی تاثیر فرهنگ استراتژیک بر سیاست فدراسیون روسیه"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، بهار ۱۳۹۶، شماره ۹۷
- سجادپور. محمد کاظم (۱۳۷۸)، "عصر بین‌المللی در روابط ایران و روسیه"، روابط ایران و روسیه، تهران: انتشارات ایراس.
- سجادپور. محمد کاظم (۱۳۸۷)، "عصر بین‌المللی در روابط ایران و روسیه"، روابط ایران و روسیه، تهران: انتشارات ایراس.
- سیمبر رضا، صارم شیرواند، (۱۳۹۴) پیوند میان ژنم و کد ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (مطالعه موردی: فدراسیون روسیه و گرجستان)، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان شماره ۹۲
- عبدالله‌خانی، علی، (۱۳۸۶) فرهنگ استراتژیک، تهران: ابرار معاصر.
- عسگری، محمود (۱۳۹۷) فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران؛ عوامل و ویژگی ها، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۶۱، صص ۱۲۷-۸۷
- عسگریان، حسین. (۱۳۹۴) چشم انداز روابط ایران و روسیه، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. فولر، گراهام، قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه: عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱) فرهنگ راهبردی و دفاع ملی؛ مطالعه موردی جنگ تحمیلی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پاییز، شماره ۵۷
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۴)، نظریه ها و رویکردها در روابط بین الملل، تهران: سمت.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۶)، نظریه ها و رویکردها در روابط بین الملل، تهران: سمت.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۹۳) کاربرد نظریه های روابط بین الملل، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۷) "فرهنگ استراتژیک روسیه"، دو فصلنامه ایراس، سال سوم، شماره ۳ کولایی، الهه (۱۳۸۵)، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۹۷)، ایران و روسیه در گذر تاریخ محیط امنیتی و مسأله تهدید و اتحاد، فصلنامه تاریخ روابط خارجی سال نوزدهم، شماره ۷۵، تابستان ۱۳۹۷، صص ۹۷-۶۵.
- کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۹۵) ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی: تعامل و تقابل با سیاست خارجی آمریکا، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- کولایی، الهه. (۱۳۹۲) سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی. چاپ پنجم. تهران، سمت
- کولایی، الهه و عقیقه عابدی (۱۳۹۷) جمهوری اسلامی ایران در ادراک های رهبران روسیه، تهران: جهاد دانشگاهی.
- متقی، ابراهیم، زهره پوستینچی (۱۳۹۰) الگو و روند در سیاست خارجی ایران، قم: دانشگاه مفید
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران، انتشارات سمت
- مشیرزاده، حمیرا، مجید کافی (۱۳۹۷) نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی ج.ا. ایران: فرهنگ راهبردی در دهه ۱۳۵۸-۱۳۶۸، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، تابستان، شماره ۳۵
- نقیب زاده، احمد، (۱۳۷۸)، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی ایرانیان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ولی زاده اکبر، غلام رضا فیروزیان، مرتضی شجاع، درآمدی بر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۱۳
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- Antczak, A. (2018), RUSSIA'S STRATEGIC CULTURE: PRISONER OF IMPERIAL HISTORY? vol. 60/2018, pp. 223-242 DOI: 10.15804/athena.2018.60.13 ,www.atheneum.umk.pl ISSN 1505-2192
- Barnett, Michael, and Raymond Duvall. (2005) Power in International Politics. International Organization 59 (01).
- Browning CS (2018c) Geostategies, geopolitics and ontological security in the Eastern neighbourhood: the European Union and the 'new Cold War'. Political Geography 62: 106-115.
- Cassidy, R.M. (2003). Russia in Afghanistan and Chechnya: Military Strategic Culture and the Paradoxes of Asymmetric Conflict. Carlisle: Strategic Studies Institute, Army War College.
- De Garmo, Denise (2016). "The U.S.-Israeli Strategic Alliance: How the United States Is Contributing to a "Disappearing" Palestine", Open Journal of Political Science, Vol.6, pp.34-43.
- Eitelhuber, Norbert (2009), "The Russian Bear: Russian Strategic Culture and What it Implies for the West", CONNECTIONS, The Quarterly Journal, Volume IX, Number 1, Winter, Partnership for Peace Consortium of Defense Academies and Security Studies Institutes.
- Ermarth, F. (2009). Russian Strategic Culture in Flux: Back to the Future? In: J. Johnson, J.A. Larsen, & K.M. Kartchner (eds.), Strategic Culture and Weapons of Mass Destruction: Culturally Based Insights into Comparative National Security Policymaking (pp. 85-96). New York: Palgrave Macmillan.
- Farrell, T. (2005). World Culture and Military Power. Security Studies, 14(3), 448-488.
- Findlater, Euan (2020) Islamic Republic of Iran's Strategic Culture and National Security Analysis, Available at: <https://smallwarsjournal.com/jrnl/art/islamic-republic-irans-strategic-culture-and-national-security-analysis>
- G. Almond S. Verba The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations Princeton University Press 1963 pp. 3-42.
- Gray, C. S. (2009). Out of the wilderness: Prime time for strategic culture. In Jeannie L. Johnson, Kerry M. Kartchner, & Jeffrey A. Larsen (Eds.), Strategic culture and weapons

- Ivić, S. (2016). *The Clash of Civilizations? Russia vs. the West, or Conservative vs. Liberal Political Paradigms*. NDC Magazine Vox Collegii, 13.
- J. L. Snyder *The Soviet Strategic Culture: Implications for Nuclear Options* Rand Corporation Santa Monica 1997 pp. 8-9.
- Jack Snyder *The Soviet Strategic Culture: Implications for Nuclear Options* R2154AF (Santa Monica Calif.: Rand Corporation 1977) 8; See also Ken Booth *Strategy and Ethnocentrism* (New York: Holmes and Meier 1981).
- Jeffrey S. Lantis *Strategic Dilemmas and the Evolution of German Foreign Policy Since Unification* (Westport CT: Praeger 2002).
- Johnston, A.I. (1995). *Thinking About Strategic Culture*. *International Security*, 19(4), 32–64. DOI: 10.2307/2539119.
- Johnston, Alistair Iain (1995), 'Thinking about Strategic Culture', *International Security*, Vol. 19, No. 4.
- Kaddorah, E. (2014), "Flashpoint Ukraine: The Pivot of Geography in Command of the West's Eastern Gateway", Arab Center for Research and Policy Studies, No. 826.
- Kazharski, A(2019): *Civilizations as Ontological Security?*, *Problems of Post-Communism*, DOI: 10.1080/10758216.2019.1591925 To link to this article: Availableat: <https://doi.org/10.1080/10758216.2019.1591925>
- Lantis *Strategic Culture: From Clausewitz to Constructivism in Strategic Insights* Vol. 4 Issue 10 2005 p. 3 URL: <https://fas.org/irp/agency/dod/dtra/stratcult-claus.pdf> accessed on 24 September 2019.
- Lantis, J.S. (2009). *Strategic Culture: From Clausewitz to Constructivism*. In: J. Johnson, J.A. Larsen, & K. Kartchner (eds.), *Strategic Culture and Weapons of Mass Destruction: Culturally Based Insights into Comparative National Security Policymaking* (pp. 33–52). New York: Palgrave Macmillan
- Lauterbach, Toby(2011) *Constructivism, Strategic Culture, and the Iraq War*, available at: [https://www.airuniversity.af.edu/Portals/10/ASPJ\\_French/journals\\_E/Volume02\\_Issue-4/lauterbach\\_e.pdf](https://www.airuniversity.af.edu/Portals/10/ASPJ_French/journals_E/Volume02_Issue-4/lauterbach_e.pdf)
- Longhurst, Kerry (2004); *Germany and the Use of Force*, 17–18. See also Sondhaus, *Strategic Culture*, 123–29.
- Malksoo, Maria (2015). "'Memory Must be Defended": Beyond the Politics of Memorial Security,' *Security Dialogue* 46(3): 1-17.
- Morozova, Natalia (2009), "Geopolitics Eurasianism and Russian Foreign Policy under Putin". *Geopolitics*, Vol. 14, Issue 4
- Parker, John (2009), *Persian Dreams: Moscow and Tehran since the Fall of the Shah*, Washington: Potomac Books.
- Poore S. (2004) *Strategic Culture in J. Glenn D. Howlett and S. Poore (eds.) Neorealism Versus Strategic Culture* Aldershot Ashgate Publishing Ltd p.55.
- Poore, Stuart (2003), 'What is the Context? A Reply to the Gray-Johnston Debate on Strategic Culture', *Review of International Studies*, Vol. 29.
- Sinovets, Polina. 2016. *From Stalin to Putin: Russian Strategic Culture in the XXI Century, Its Continuity, and Change*. *Philosophy Study*, July 2016, Vol. 6, No7.
- Skak, M. (2016). *Russian strategic culture: the role of today's chekisty*. *Contemporary Politics*, 22(3), 324-341
- Smith, James M. (2008); *Strategic Culture and Violent Non State Actors: Weapons of Mass Destruction and Asymmetrical Operations Concepts and Cases*, USAF
- Snyder J. (1977) *The Soviet Strategic Culture Implications for Limited Nuclear Operations* Santa Monica RAND Co. p.8.
- Tsygankov, A. (2019) *From Global Order to Global Transition Russia and the Future of International Relations*, Available at: [https://www.researchgate.net/publication/332081788\\_From\\_Global\\_Order\\_to\\_Global\\_Transition\\_Russia\\_and\\_the\\_Future\\_of\\_International\\_Relations\\_httpsenglobalaffairsrunumberFrom-Global-Order-to-Global-Transition-19989fbclidIwAR1rfyxW6Ch\\_FKesnEIF4xMV7nRj\\_K8?enrichId=rgreq-](https://www.researchgate.net/publication/332081788_From_Global_Order_to_Global_Transition_Russia_and_the_Future_of_International_Relations_httpsenglobalaffairsrunumberFrom-Global-Order-to-Global-Transition-19989fbclidIwAR1rfyxW6Ch_FKesnEIF4xMV7nRj_K8?enrichId=rgreq-)

bdf9d71fa0ef94febada9495bc771b7c-

XXX&enrichSource=Y292ZXJQYWdlOzMzMjA4MTc4ODtBUzo3NDM3NzAyOTUzODIwMTdA  
MTU1NDM0MDA2NTk2OA%3D%3D&el=1\_x\_3&\_esc=publicationCoverPdf

Tsygankov, A. P. (2017). The dark double: The American media perception of Russia as a neo-Soviet autocracy, 2008–2014. *Politics*, 37(1), 19–35.

Van Herpen, M.H. (2015). *Putin's Propaganda Machine: Soft Power and Russian Foreign Policy*. Lanham: Rowman & Littlefield Publishers.